

متن پرسش

با عرض سلام: استاد عزیز خدمتتان عارضم که انسان وقتی در خوشی زندگی عادی هست حواسش به برخی چیزها نیست. اخیرا دچار بیماری و مشکلاتی شده ام که می‌فهمم راستیتش اگر ایمان را به این معنا در نظر بگیریم «که نظر چه کسی را در زندگی مهم و موثر بدانیم» متأسفانه ایمان ضعیفی دارم طبق دانسته ها و طرحواره ای که در ذهنم داشتم باید همیشه در کارها با دید توحید نگریست و وظیفه را انجام داد و بقیه اش با خدا. اما تازه می‌فهمم دانستن کی بود مانند عمل. استاد می‌دانم ولی جانم در تلاطمات درگیر می‌شود. استاد برای اینکه در جانمان به توحید یقین پیدا کنیم و حضوری آرام در تلاطمات زندگی داشته باشیم باید دقیقا چه کرد. استاد آیا ادب خیال یا صبر بر مصیبت تا ملکه شدن صبر، تاثیر دارد؟ لطفا روشن بفرمایید با تشکر.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که پیامبر خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» در حدیث «ثقلین» فرمودند در کنار قرآن نظر به سیره و عترت آن حضرت نیز لازم است تا در مفاهیم متوقف نگردیم. در دیگر امور هم با نظر به سیره و شخصیت انسان‌های وارسته، می‌توانیم امور خود را بهتر جلو ببریم. موفق باشید